



مرقد امام حسین(ع) در تاریخ چند بار تخریب شده؟

در طول تاریخ پس از حادثه عاشورا حاکمان ظالمی بودند که کربلا و مرقد حضرت حسین(ع) را خطری برای خود می‌دانستند و علاقه‌مندان اهل بیت را از زیارت کربلا منع کرده و مشکلات بسیاری برای آنان ایجاد می‌کردند.

در طول تاریخ پس از حادثه عاشورا حاکمان ظالمی بودند که کربلا و مرقد حضرت حسین(ع) را خطری برای خود می‌دانستند و علاقه‌مندان اهل بیت را از زیارت کربلا منع کرده و مشکلات بسیاری برای آنان ایجاد می‌کردند.

به گزارش قدس آنلاین، بنی‌امیه پس از واقعه کربلا متعرض قبر امام حسین(ع) نشدند؛ زیرا از عواقب جنایتی که کرده بودند همواره در هراس به سر می‌بردند. بنی‌امیه سخت‌گیری می‌کردند، اما نمی‌توانستند مانع زیارت کربلا شوند. آنان می‌خواستند یاد و خاطره حسین(ع) از ذهن مردم فراموش شود.

عباسیان، روی بنی‌امیه را سفید کردند

حکومت بنی‌امیه پس از مدتی منقرض شد و پس از آن دوران فترتی پیش آمد که دستداران اهل بیت اندکی آسوده شدند و فرصتی برای زیارت مرقد شریف امام حسین (ع) برای آنان فراهم شد. این دوران فترت میان سال‌های 114 تا 148 هجری بود؛ اما پس از گذشت این سه دهه، بنی‌عباس با مرقد حسین (ع) کاری کردند که اموی‌ها نکرده بودند. (1) آنان در قتل امام حسین (ع) شرکت نداشتند، اما از اهانت به مرقد شریف چیزی کم نگذاشتند. اولین خلیفه عباسی که در این راه گام برداشت، منصور عباسی بود که کینه عجیبی نسبت به فرزندان امیرالمؤمنین (ع) داشت و دستور تخریب قبر مطهر را اولین بار او صادر کرد. (2)

مرقد امام حسین(ع) در تاریخ چند بار تخریب شده؟

پس از او هارون الرشید در سال 173 هجری دستور انهدام ساختمان حرم مطهر را داد و درخت سدري را که نشانه قبر منور حضرت بود، قطع کرد. (3)

متوکل؛ کینه توزترین نسبت به امام حسین(ع)

نزدیک به چهل سال بعد، متوکل عباسی که نوه دختری هارون الرشید بود، بر مسند خلافت نشست و سیاست بسیار سخت‌گیرانه‌ای را نسبت به شیعیان در پیش گرفت. نقل است او چهار بار مرقد مطهر امام حسین (ع) را ویران کرد و زمینش را به آب بست و در آن زراعت کرد تا اثری از آن حرم شریف باقی نماند و مردم آن را فراموش کنند؛ اما هرگز در این امر موفق نشد. (4) جلال‌الدین سیوطی در این باره می‌نویسد: متوکل در سال 236 هجری دستور تخریب قبر حسین(ع) و بناهای اطرافش را صادر کرد و دستور داد تا همه زمین را شخم بزنند و بذر بکارند. متوکل به ضدیت شدید با اهل بیت رسول خدا (ص) معروف بود و مسلمانان از این بابت رنج می‌بردند ... حتی اهل بغداد روی دیوارهای شهر به متوکل دشنام می‌نوشتند و برخی شعرا در هجو او شعر می‌سرودند. برای نمونه چنین می‌گفتند: متوکل تأسف می‌خورد که چرا با بنی‌امیه در کشتن حسین (ع) شرکت نداشته؛ به همین دلیل قبر حسین (ع) را تخریب می‌کند! (5)

این اثر در «کامل فی التاریخ»؛ می‌نویسد: متوکل مردم را از زیارت حسین (ع) محروم کرد و اطلاعاتی داد که هر کسی را نزد قبر حسین بیایم، سه روز حبس کرده و سپس او را می‌کشیم. بدین وسیله بسیاری را از اطراف مرقد شریف دور کردند. متوکل بغض زیادی نسبت به علی‌بن ابی‌طالب(ع) داشت و دستور می‌داد تا اموال دوستان آن بزرگوار را ضبط و خودشان را سر به نیست کنند ... نقل است که مرقد حسین (ع) تا هفت مرتبه تخریب و بازسازی شد؛ البته تخریب توسط دشمنان و بازسازی توسط دوستان. (6)

در سال 512 هجری خلیفه وقت عباسی «مسترشد»؛ و فرزندش «راشد»؛ به خزانه حرم

حسینی دستبرد زدند و اموال و اشیای گران‌قیمتی را که شامل موقوفات و غیرموقوفات بود، غارت کردند. (7)

در سال 1226 ق نیز وهابی‌ها به سرکردگی سعود بن عبدالعزیز؛ با لشکری دوازده هزار نفری به کربلا حمله کردند؛ در حالی که مردم به مناسبت عید غدیر به نجف اشرف رفته بودند و تقریباً کسی جز کودکان و زنان و پیران در شهر حضور نداشتند وهابی‌ها صدها تن را به خاک و خون کشیدند و اهانت‌ها نسبت به مرقد مطهر حسین (ع) مرتکب شدند. چوب‌های ضریح مطهر را شکسته و از آن در پخت غذا و قهوه به عنوان هیزم آتش استفاده کردند. این واقعه آن‌قدر جانسوز بود که به طف ثانی؛ یعنی کربلای دوم شهره شد. (8)

دکتر دوایت دونالدسون در کتابی که درباره عقاید شیعه و تاریخش نوشته می‌گردد؛ از فاجعه کربلا بیش از هزار سال می‌گذرد، اما زائران همچنان به سوی آن سفر می‌کنند و تعدادشان روزافزون است. (9)

و این همان است که امیرمؤمنان علی (ع) در روایت شیخ صدوق، آن را پیش‌بینی فرموده است. حضرت می‌فرماید: گویا می‌بینم بناهایی روی قبر حسین ساخته شده و می‌بینم که محمل‌هایی به سوی قبر حسین (ع) می‌رود و شبی و روزی نمی‌گذرد، مگر اینکه از سراسر آفاق به سوی آن می‌آیند. (10)

پی‌نوشت‌ها:

1. مرتضی مطهری، سیری در سیره ائمه، بخش مربوط به امام صادق (ع).
2. شیخ عباس قمی، تتمه المنتهی، ص 165 .
3. محمد هاشم خراسانی، منتخب التواریخ، ص 503 .
4. اخبار الدولة العباسیه، ترجمه عبدالعزیز دوری، ص 365 .
5. جلال‌الدین سیوطی، تاریخ الخلفاء، ص 347.
6. ابن اثیر جزری، الكامل فی التاريخ، ج 2، ص 125 .
7. اخبار الدولة العباسیه، ص 145.
8. سیدجواد عاملی، مفتاح الكرامه، خاتمه جلد پنجم.
9. دوایت دونالدسون، مذهب شیعه، ص 77.
10. منتخب التواریخ، ص 417 .